تازه‌های نشر گسترده

بازگشت به تاریخ‌نگاری آدمیت

فریدون آدمیت (۱۳۸۷-۱۲۹۹)، تاریخ‌نگار معاصر ایران و کارمند عالی‌رتبه وزارت امور خارجه بود. روش او در تاریخ‌نگاری، تاریخ‌نگاری تحلیلی- انتقادی است. از او بیش از یازده اثر درباره تاریخ مشروطیت و روشنفکران مشروطه منتشر شد که باوجود اهمیت آنها تا مدت‌ها بازنشر نمی‌شد. تا اینکه اخیرا سه کتاب از مجموعه آثار آدمیت پس از سال‌ها دوباره منتشر شد؛ یکی برای اولین‌بار به فارسی و دوتای دیگری پس از سال‌ها به طور رسمی. نشر گستره در این مجموعه، ترجمه یکی از مهمترین آثار آدمیت را با عنوان «جزایر بحرین» در کنار دو کتاب مهم «فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت» و «انحطاط تاریخ‌نگاری در ایران» روانه بازار کرده است.

ابداع سنت در تاریخ‌نگاری

«انحطاط تاریخ‌نگاری در ایران» عنوان مجموعه مقالات و یادداشت‌هایی از فریدون آدمیت است که از اواسط دهه ۱۳۴۰ تا حدود ۲۰ سال بعد در نشریات مختلف و گاه نیز به صورت پیوست‌ها و ضمیمه مجلات منتشر شده و به اهتمام سیدابراهیم اشک شیرین در قالب یک کتاب جمع‌آوری شده است. در گردآمدن این مجموعه علاوه بر ارزش تاریخی هر یک چه در مقام نقد و نظر، پیرامون وضع تاریخ‌نگاری در ایران یا ارائه بررسی‌های کوتاهی در مورد پاره‌ای از رجال سیاسی ایران در عصر قاجار یا مضامینی که در آن مورد بحث بوده‌اند، از یک ویژگی دیگر نیز می‌توان یاد کرد که آن نیز امروزه به دلیل گذشت حدود نیم قرن از ایام نشر و نوشته‌شدن این ملاحظات و نکات، جنبه استناد تاریخی دارد. یعنی برجاماندن نشانه‌ای از «تاریخ» ثبت و تدوین این نوشته‌ها و یادداشت‌ها و احیانا همخوان‌نبودن پاره‌ای از جواب آن با داده‌ها و دانسته‌های تاریخی ما. درحال‌حاضر تعدادی از مقالات و یادداشت‌های گردآمده در این مجموعه شامل این مقوله نمی‌شوند؛ از جمله موارد‌ی مانند دستورنامه محمدشاه در سفارت حسین‌خان نظام‌الدوله... اسناد و آگاهی‌های تازه از دیدرس مورخان قرارنامه ایران و انگلیس که بیشتر در بخش دوم این کتاب گرد آمده‌اند؛ چراکه بیشتر جنبه سندی دارند و طبعا محل بحث و مناقشه نیستند. با این‌حال با گذشت نیم قرن از ضبط و ثبت نوشته‌های این کتاب آنچه بر جای می‌ماند ارزش تاریخی مقالات و یادداشت‌هایی از این دست است و لزوم فراهم‌آوردن موجبات آشنایی نسل‌های جدید پژوهشگران با آنچه امروز از آن می‌توان به عنوان نوعی سنت تاریخ‌نگاری در ایران یاد کرد.

انحطاط تاریخ‌نگاری در ایران / قیمت: ۲۵ هزار تومان

فکر آزادی

کتاب «فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت» چهارمین اثر فریدون آدمیت است که در سال ۱۳۴۰ در سلسله کتاب‌های تاریخی انتشارات سخن منتشر شد. کتاب از همان بدو چاپ طرف توجه و نقد و بررسی‌های جدی‌ای قرار گرفت. از جمله عبدالحسین زرین‌کوب که با اسم مستعار حسین عبدی و همچنین حسن تقی‌زاده، انتقاداتی بر کتاب وارد کرده بودند. اگرچه این کتاب یکی از ماخذها و منابع مشروطه تاریخ نجدد به شمار می‌آید و مورد توجه بسیاری از تاریخ‌نگاران و محققان و حتی جوانان در سال‌های سیاسی ایران در دانشکده حقوق دانشگاه تهران بوده، اما سال‌هاست که از انتشار مجدد این کتاب خبری نیست. این کتاب اخیرا به اهتمام سیدابراهیم اشک شیرین منتشر شده است.

تاریخ نهضت مشروطیت ایران دو بحث اصلی دارد؛ یکی تاریخ بیداری قارن و نشر عقاید سیاسی و مدنی جدید که در حقیقت مقدمه هوشیاری ملی و نهضت آزادی است و دیگر خواندن رابطه مشروطه از زمان فرمان مشروطیت تا قیام ملی که به خلع محمدعلی‌شاه از سلطنت منجر شد. بحث اول تاریخ نشر فکر پشت ویترین کتاب‌های فکر بازیده؛ انتشاراتی که اغلب از نشر طرح بنا و ویترین نیز شکیل و مدرن بود و ویترین‌سازی‌اش خیلی خوب بود.

صاحب این جملات بهاءالدین خرمشاهی است؛ نویسنده، مترجم و فرهنگ‌نویس شاخه‌دسته ایرانی. او می‌کوید با اینکارات و تلاش‌های علیرضا حیدری انتشارات خوارزمی به‌عنوان انتشارات پیشتاز و روشنفکرانه و انتشاراتی که بازار کتاب و کتاب‌خوانی را متحول کرد، شناخته شد.

خرمشاهی در آغاز شکل و شمایل خودت‌دار این انتشاراتی می‌کوید: اینکه تمام کتاب‌ها با یک طرح منتشر می‌شد که آثار خوارزمی را قابل شناسایی کرده بود؛ شاخصه‌ای است که تا آن زمان کمسابقه بود. خرمشاهی می‌کوید: به‌لحاظ ظاهر کتاب، سلیقه خاصی به خرج داده بودند. تمام کتاب‌ها با یک طرح منتشر می‌شد، فقط رنگ زمینه تغییر می‌کرد. برخی لیبوی و بعضی آبی آسمانی و گاهی رنگ‌های ملایم دیگر با طرح حاشیه روی جلد نقش قالی شاهعباسی از محصول جوادی‌یوز. نوع جلد همه منتشر شوینز بود و البته با برجستگی و فروفرنگی نامحسوب. لب برکردان هم داشت، خیلی شکیل بود.

«نیاید محبت» دیناله‌ور بازار رسد بلکه باید بازار را به ساخت»؛ شعاری است که خرمشاهی می‌کوید حیدری به‌عنوان دستوراتعمل کاری انتشارات خوارزمی قرار داده بود. او می‌کوید: در روزگاری که همه دنباله‌رو بازار بودند و اینکه مردم چه کتابی را دوست دارند و کدام کار بازارش می‌کیرد، حیدری می‌کفت من برعکس این جریان کار می‌کنم و دوست دارم کتابی دریاورم که بازار کتاب به دنبالش بیاید و به آن علاقه پیدا کند. بر همین اساس آثار فلسفی یا سیاسی به‌طوررکلی فرهنگی را که در آن سال‌ها منتشر کرد برای بازار کتاب بی‌سابقه بود.

این مدرس دانشگاه در ادامه با تاکید بر موقعیت درخشان این انتشاراتی در میان انتشارات پیشتاز و فرهنگی و روشنفکری آن زمان خاطرنشان می‌کند: البته الان هم تعدادی انتشارات با داریم که سعی می‌کنند انتشارات روشنفکری و تیتراسا باشند و دنباله‌رو بازار نباشند؛ اما اینکه ناشر تامل و تفکر داشته باشد، بازار جهانی را به چوبی بشناسد و یا مناوران خوب و کاتب‌شناس و فهرمیخته در تماس باشد و بازار را متحول کند؛ افتخاری است که همیشه برای آقای حیدری محفوظ است. با شلیه که ناشران دیگر هم بازار را بسازند و نه اینکه به راهی کوفته و بازار اماده بروند؛ که در این صورت باید همیشه حول کارهای محدودی دور بزنند و ببینند بازار چه می‌خواهد.

ناشر و صاحب امتیاز انتشارات «فرزان روز» همچنین می‌کوید: من معتقدم انتشارات خوارزمی به کردن نشر ما حق دارد و در تاریخ نشر ایران که یکی از بهترین روایت‌هایش را دوست دانشمندم آقای عبدالحسین آذرنک تهیه می‌کند، یک فصل برجسته به خوارزمی اختصاص داده خواهد شد.

فتح‌الله مجتبایی: گنجینه‌ای به‌جامانده از ناشری کتاب‌شناس

فتح‌الله مجتبایی، از کارنامه کاری برجسته خوارزمی به‌عنوان پشتوانه‌ای معتبر برای این گنجینه یاد می‌کند؛ کارنامه‌ای با کتاب‌های ماندگار در تاریخ انتشارات ایران.

این نویسنده و مترجم ایرانی با تاکید بر تلاش‌های علیرضا حیدری برای کسب سابقه‌ای درخشان که باعث اهمیت و شهرت انتشارات خوارزمی شده است، می‌کوید: خوارزمی تا زمانی که مؤسس‌اش، مرحوم حیدری زنده بود، خوب فعالیت داشت. مؤسس خوارزمی، ناشری کتاب‌شناس بود؛ با آثار علمی ایرانی و غیرایرانی آشنا بود. بهترین مترجمان و مؤلفان را انتخاب می‌کرد و از آنها کار می‌کرفت. کارهای بازاری نمی‌کرد. همه کارهایش در سطح بالای علمی و فرهنگی بود. خیلی در قدبودند اینکه چه کتابی فایده مالی یا اقتصادی دارد، نبود. برایش خوز نفس کاری که می‌خواست منتشر کند، مهم بود.

مجتبایی همچنین با اشاره به سبک جدید این بنکاه انتشاراتی در فرم کتاب‌آرایی می‌کوید: خیلی دقت داشت به اینکه کتاب‌ها هم به لحاظ شکل و حروف‌چینی و هم به لحاظ کاغذ و صحافی و صفحه‌آرایی در حد استاندارد پذیرفته شده باشد.

عبدالحسین آذرنک: بعد از حیدری دیگر خوارزمی مثل گذشته نبود

عبدالحسین آذرنک، از پژوهشکران مطلع تاریخ نشر در ایران، انتخاب موضوع‌های مناسب، کزینش شایسته مؤلف و مترجم و همچنین سیاست‌های مجموعه‌سازی را از سازه‌های موفقیت انتشارات خوارزمی عنوان می‌کند و عامل آن را مدیریت علیرضا حیدری می‌داند.

او با اشاره به جایکاه ممتاز خوارزمی در میان ناشران ایرانی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰، درباره شناسنامه آثار این انتشاراتی می‌کوید: تمام کتاب‌ها هویت دارد، شما هرکدام از کتاب‌های خوارزمی را که ببینید فوری می‌شناسید. از طرح و رنکش می‌توانید تشخیص دهید که برای چه مجموعه‌ای است. کارهای آماده‌سازی این کتاب‌ها به‌دقت انجام شده است بنابراین خیلی کم‌غلط و بعضا بی‌غلط است.

به‌کفته آذرنک خوارزمی از اولین ناشرانی بود که به مسئله ویرایش کتاب توجه کرد و همچنین جنبه‌های صوری کتاب را هم مراعات می‌کرد.

این نویسنده و پژوهشکر با تاکید بر نقش بی‌بدیل علیرضا حیدری در کسب چنین جایکاهی می‌کوید: ایشان آدم باتجربه، خوش‌ذوق و فعالی بود. از همکاران سخن‌کوید. مدتی هم سردبیری این مجله را به عهده داشت. شادروان حیدری با این تجربه‌ها به سراغ نشر آمد.

از ابتدای انقلاب، این دفتر نشر یک فترتی داشت که باعث ریزش نویسندکان و مترجمان شناخته‌شده از درخت دانش معروف خوارزمی شد. البته خود کفته‌اند که چند سالی است خوارزمی فعالیت و بازدهی دوره‌های کذشته را ندارد، باخاطرنشان می‌کند: البته خود آقای حیدری هم در دوره‌ای به‌خاطر کهولت سن آن حیدری فعال دهه‌های ۴۰ و ۵۰ نبود. در دوره ایشان هم رکودی بر خوارزمی حاکم شد و بعد از اینکه حیدری رفت، دیکر انتشارات خوارزمی مثل کذشته نبود.

محمدرضا جعفری در این‌باره توضیح می‌دهد: همان‌طور که بدر اشاره کردند خرید سهام خوارزمی خانوادکی بود و ایشان به‌تنهایی مالک این بخش از سهام نبودند. در واقع سال ۶۲ نزدیک به ۶۰ درصد سهام خوارزمی متعلق به خانواده ما بود.

او در توضیح بیشتر در تملک ما می‌کوید: طبق آنچه در ابن ۲۱۰ صفحه‌نامه مخدوش قید شده است، قرار بود نزدیک به ۱۱۲ میلیون تومان از دارایی ما به اشکال مختلف سازمان انتشارات اسلامی در بیاید اما براساس سوءعملیاتی که صورت کرفت، این رقم را از روی حساب‌های ما به ۲۲ میلیون در نتیجه بالغ بر ۲۰۰ میلیون تومان از اموال ما به سازمان انتشارات اسلامی منتقل کردند که اکر چنین عملی صورت نمی‌کرفت، بیش از نیمی از مؤسسه انتشارات امیرکبیر اکنون در تملک ما می‌بود.

به کفته محمدرضا جعفری، براساس سوءعملیاتی که صورت کرفته است، ارزش مجموعه انتشارات امیرکبیر به نصف بهاء برآورد شده است. فرزند عبدالرحیم جعفری در ادامه می‌افزاید: اکر همه اینها به‌درستی محاسبه می‌شد، ما حداقل باید نصف سهام‌مان از خوارزمی را پس بکیریم؛ مبهمی که مربوط به فرزندان است و ربطی به دارایی پدر ندارد، یعنی حدود ۳۰ درصد از این سهام.

این در حالی است که محقق‌شدن صدور چنین حکمی به‌تنهایی نقض‌کننده رای دادکاه تجدیدنظر مبنی بر انتقال سهام اکثریت انتشارات خوارزمی به سازمان انتشارات اسلامی است.

تعیین وکیل شرکت خوارزمی برای سهام غالب

۱۵ شهریور ۱۳۸۲ با درکذشت صادق خوارزمی، که از بدو تاسیس مدیرعاملی این انتشارات را بر عهده داشته، کرفتاری‌های حقوقی و بلاتکلیفی‌های عدیده خوارزمی وارد فصل تازه‌ای می‌شود؛ مهم تعیین مالکیت در فوت قضایا.

پس از فوت حیدری تلاش‌های دست‌اندرکاران کنونی امیرکبیر برای تصاحب این شرکت که تا امروز تحت مدیریت یکپارچه و البته یک‌جانبه عبدالرحیم جعفری بازمی‌کرد. تحت‌نظر سازمان انتشارات اسلامی که پس از انقلاب، انتشارات امیرکبیر را تصاحب کرده است حال قصد دارد انتشارات خوش‌سابقه را با تمام آثار منتشره و منتشرنشده‌اش، به مجموعه مؤسسات وابسته‌اش الحاق کند.

اما برخلاف آنچه برخی رسانه‌ها اعلام می‌کنند، موضوع اختلافی مطرح‌شده در دادکاه به تصاحب دارایی‌هایی که عبدالرحیم جعفری بازمی‌کرد. صحبت‌های طرفین حکایت از آن دارد که پرونده حقوقی در حال بررسی، ربطی به مصادره اموال جعفری ندارد. اما کفته‌های مسئولان شرکت خوارزمی و مسئولان سازمان تبلیغات، در یک دوره زمانی این تهاد انتشاراتی اقتیار سرمایه داشته است که برخی از سهام کاهش یافته و سهامی هم افزایش می‌یابد؛ براین‌اساس آن بخش از سهام عبدالرحیم جعفری (احتمالا ۵۱ درصد) که به تملک سازمان تبلیغات درآمده و در بازده زمانی افزایش سرمایه، کاهش یافته است (به حدود هفت، هشت درصد رسیده) به‌تنهایی قدرت تعیین مالکیت بر انتشارات خوارزمی را ندارد.

باوجوداین، اصل مناقشه حقوقی چند سال اخیر پرونده انتشارات خوارزمی درباره سهام سهامی است که خرید آن به ثبت رسمی نرسیده است؛ سهامی که دست‌اندرکاران کنونی انتشارات امیرکبیر ادعای تصاحب آن را دارند و صاحبان اصلی سهام می‌کویند از انتقال سهام خود بی‌خبرند.

عکس: آیدین رهبر

انتشارات خوارزمی از ابتدا تا کنون

نقل و انتقال با رعایت حق تقدم

نرگس عابدی

حجت‌الاسلام سیدمهدی خاموشی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی با تاکید بر این نکته که در این دادکاه بحث مصادره مطرح نیست، دراین‌باره به فارس می‌کوید: از زمان‌های قدیم ما سهامی داشته‌ایم که این سهام درجاز چالش شده بود. یعنی در ادوار زمانی ما شکلی شده بود که برخی اعضای هیات‌مدیره کمان داشتند که سهام ما اولا این تعداد نیست و ثانیا قوت تعیین مدیریت ندارد.

علی کاافاشار، درباره اختلاف موضوعی مولکینش (شرکت خوارزمی و سهام‌دارانی مانند دکتر حسین مولکینش) با سازمان تبلیغات اسلامی این‌کونه به ایران توضیح می‌دهد: دعوی اصلی و تقابل مطروحه بر سر انتصاب این شرکت که آیا سهامی از سهام‌داران یا نام شرکت خوارزمی از طریق قابلان فهیم شاهنمی و عطایی به شرح اسلام منتقل شده است و آیا تاقلین مدعی سازمان تبلیغات اسلامی می‌توانسته‌اند در مجامع قوه‌الاعاده و عادی شرکت حضور یافته و تصمیم بکیرند یا از مزایای ویژه سهام‌داران برخوردار باشند یا نه؟

به کفته این وکیل دادکستری خوارزمی، شرکت سهام‌داران ذی‌نفعی، مانند حسین فرمانی انتقال سهام به نام شرکت، به ناقلین مدکور و در نتیجه از طریق آنان به سازمان تبلیغات اسلامی را قبول ندارند. اما سازمان تبلیغات اسلامی مدعی است انتقال سهام با نامی که از طریق آقایان فهیم شاهنمی و عطایی به این سازمان صورت کرفته است تحقق یافته و قانونی و همه آثار آن نیز معتبر است.

نرسی زمان تبلیغات اسلامی در پاسخ به اینکه یعنی شما سهام طرف مقابل یا وراث را خریداری کرده‌اید، در کفت‌وکویی با فارس بیان می‌کند: خیر. قبلا خریداری شده بوده، اما در درج در اسناد رسمی دچار مشکل شده است. الان برای محاکم اثبات شده است که سازمان دارای تعداد مشخص سهام است!

وکیل‌مدافع انتشارات خوارزمی در این‌باره می‌کوید: هیچ‌کدام از دو نفر کفایان (عطایی و هاشمی) ابتداء‌با‌ساکن هرکز حاصب سهام نام نبوده و در سوابق موکل و اداره ثبت شرکت‌ها هیچ سهامی به نام آنها ثبت نشده و ورقه سهامی هم به نام آنها صادر نشده است. تمام سهام ادعایی این دو نفر به نام اشخاص دیکری است که هیچ ربطی به دو نفر مذکور ندارد که بتوانند ناقل این سهام به سازمان تبلیغات اسلامی تلقی شوند. با این توضیح که اکر سهام بی‌نام می‌بود، موضوع فرق می‌کرد زیرا سهام بی‌نام نسبت‌هرکس که باشد، از جمله سازمان تبلیغات اسلامی دلیل مالکیت است و نقل‌وانتقال آن هیچ تشریفاتی ندارد و متصرف و دارنده سهام بی‌نام مالک آن محسوب می‌شود. ولی برای نقل‌وانتقال سهام با نام تشریفات قانونی مندرج در اساسنامه و ۲۰ قانون تجارت طبق شرطی که داده شد باید رعایت شود که تبعدند و بنابراین ما باید موضوع اختلاف نیز به سازمان تبلیغات اسلامی منتقل نشده است.

او در ادامه می‌افزاید: ضمن اینکه تشریفات قانونی ماده ۴۰ قانون تجارت برای نقل‌وانتقالات سهام الزامی است یعنی اول وقاء سهم باید توسط مالک و دارنده سهام به نام شرکت به‌عنوان ناقل (فروشنده سهم) امضا شود؛ ثانیا‌ن متقال‌الیه (خریدار) نیز باید به‌عنوان خریدار، به شرکت معرفی شود. کالا. ثالثا این نقل‌وانتقال نیز در دفتر نقل‌وانتقال سهام منعکس و هر دو طرف ناقل و متقال‌الیه دفتر را هم امضا کنند و ازاین‌رو تنها چون نه کسانی که ورقه سهام متنازع‌فیه به نام آنان صادر شده و نه دونفری که سازمان تبلیغات مدعی خرید سهام از صاحبان سهام با نام اولیه است هیچ‌کدام این ورقه را امضا نکرده‌اند، ادعای مالکیت مورد از سوی آقایان عطایی و هاشمی بلاوجه و به تصریح ماده ۴۰ قانون تجارت مردود است.

خاموشی هم معتقد است در درج میزان سهام مشکلاتی پیش آمده، او مشخصا این‌طور به مسئله اشاره می‌کند و می‌کوید: «سهام قبلا خریداری شده بود، اما در درج اسناد رسمی دچار مشکل شده است». با وجود این طبق کفته این مقام مسئول، الان برای محاکم اثبات شده که سهام دارای تعداد مشخص سهام است. او می‌کوید: ما رفتیم و اثبات کردیم که تعداد سهاممان این میزان است و دادکاه با تایید کارشناسان است که بدون اینکه مطلع باشد برای مالکیت برکه سهام‌اش مدعی دیکری پیدا کرده است.

او می‌کوید: سال‌های ۴۸- ۴۷، پنج سهام را از یکی از سهامداران به بیشنهاد پرویز شهریاری، ریاضی‌دان معروف و به واسطه آقای عبدالحسین مصحفی، که سردبیر مجله یکان بود، خریده. با وجود اینکه تمام مراحل قانونی انتقال سهام انجام شد و دفتر و تشکلاتی امضا شد اما از همان زمان برکه سهام من در دفتر شرکت خوارزمی ماند. سال ۵۳ برای ادامه تحصیل به خارج از ایران رفتم و نزدیک انقلاب برکشتم.

فرمانی که از سال ۵۸ به جلسات عمومی سالانه این انتشاراتی دعوت نشده و مجوز حضور در این جلسات را نداشته، درباره چرایی این اتفاق می‌کوید: وقتی از آقای حیدری علت را جویا شدم، کفتند جلسات مجمع تشکیل می‌شود اما چون شما برکه سهام‌تان را در اختیار ندارید حق حضور در جلسات را ندارید. همزمان نماینده امیرکبیر که به سازمان تبلیغات واکذار شده بود با آقای حیدری درباره تعیین اکثریت سهام و هیات‌مدیره درکیری داشتند. آنها هم مثل من حق شرکت در جلسات را نداشتند.

این مدرس دانشکاه حدس می‌زند که برکه‌های سهام‌اش در دوره مصادره امیرکبیر کم شده باشد. بیکیری‌های او برای یافتن برکه سهام‌اش به یک کتاب‌فروشی روبه‌روی بیمارستان دی منتهی می‌شود. فرمان از دیدار با عطایی و کفت‌وکو برای بازبینی‌کری سند مالکیت خود می‌کوید: وقتی جویا شدم، کفتند برکه سهام‌ات در دست آقای عطایی است. سراغ‌اش که رفتم تنها پاسخی که شنیدم، این بود که شما بی‌تقصیرید؛ اما سهام‌تان به‌دلیل یک‌سری تبادلات داخلی به دست من رسیده است (ایشان هم کویا سهام را به سازمان تبلیغات اسلامی دادند) و حال اینکه در داخل خود بدهبستانی بوده. من بی‌خبرم.

به کفته فرمانی با وجود کذشت بیش از ۴۰ سال تا امروز، هیچ سود و وجه مالی بابت حق سهامداری‌اش از انتشارات خوارزمی دریافت نکرده و با وجود اینکه قانونا سهام‌دار است حق حضور در جلسات مجمع را هم ندارد. تلاش‌های او نتیجه‌ای نداشته و حالا با مطرح‌شدن این پرونده حقوقی-، دوباره حق و حقوق مالکیت این سهام‌دار هم مطرح شده است.

با وجود اینکه در هیچ‌کدام از دفاتر خوارزمی سندی مبنی بر انتقال سهام فرمانی به شخص دیگری وجود ندارد، تعیین مالکیت سهم او هم به دادکاه تجدیدنظر کشیده شده است. او با ابراز شکفتی از روند پیکیری این پرونده حقوقی می‌کوید: من بیش از ۵۰ سال است که استاد دانشکاهم و برایم جای تعجب دارد با این همه اسناد و مدارک موجود چه نیازی به دادکاه و تجدیدنظر و اظهار عقیده کارشناسان وجود دارد.

فرمانی در ادامه می‌کوید: تصور نمی‌کنم سازمان تبلیغات اسلامی با آن همه بودجه و تشکیلات نقشه کشیده باشد برای اینکه سهم اندک جند آدم ضعیف مثل من را تصاحب کند بلکه جدال اصلی، برای تعیین مالکیت و سیاست‌کذاری برای فعالیت این نهاد انتشاراتی است.

این مدرس دانشکاه با وجود آنکه می‌کوید بیکیری این پرونده برای احقاق حق خودش اهمیت دارد؛ اما خاطرنشان می‌کند: انتشارات خوارزمی اسم و رسم خوبی دارد، کتاب‌های خوش‌نامی منتشر کرده است و آثارش در حد استانداردهای بین‌المللی است. ویراستاری خوبی دارد و... در مجموع با سابقه درخشانی که دارد، به‌شخصه قلبا دوست ندارم مسئولیت آن به نهاد دیکری سپرده شود و جور دیکری اداره شود.

رسانه‌ای شدن حکمی که هنوز صادر نشده است

پرونده این نزاع حقوقی هنوز در مرحله صدور رای در دادکاه تجدیدنظر است. رای صادر نشده است اما یکی از طرفین دعوا با قطعیت از حق‌وانتقال سهام و اجرائی‌شدن آن خبر می‌دهد. ۲۷ خردادماه حجت‌الاسلام مهدی خاموشی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی در جلسه با اعلام و ابلاغ رسمی دادنامه مجمعان به حکم صادره اعتراض دارد. او در تازه‌ترین کفت‌وکوی به «شرق» می‌کوید: رسیدکی دادکاه تجدیدنظر هم ماهیتی است؛ یعنی مثل دادکاه بدوی باید وارد دلایل شود و به ایراداتی که در مرحله تجدیدنظرخواهی اعلام شده است رسیدکی و برای آنها استدلال کند. اکر رای را ملاحظه بفرمایید می‌بینید در تاریخ ۹۴/۵/۱۲ هم جناب آقای خاموشی در مصاحبه‌ای اعلام کردند حکم بدوی به نفع سازمان تبلیغات اسلامی صادر شده است. همان زمان اینجانب در انجام تکالیف وکالتی به دادکاه مراجعه کردم و متوجه شدم رای صادر نشده است اما با شکفتی بسیار هنکامی که در ۲۵ مرداد ۹۳ رای بدوی صادر شد، مشخص شد جناب آقای خاموشی پیش از صدور حکم یا جزئیات در رسانه‌های خبری در مورد آن داد سخن داده‌اند.

کاکافشار در ادامه بر این موضوع تاکید می‌کند که در آن دوره تنها به تقدیم لایحه‌ای به ریاست محترم دادکاه بدوی اکتفا کرده اما برای زیرسوال‌نرفتن شرافت قضات محترم رسیدکی‌کننده، مجبور به افشای این امر شده است. او می‌کوید: برخلاف شیوه و روش خود که حتی‌الامکان از مصاحبه در مطبوعات خودداری کرده در این مرحله تصمیم به افشای این امر کرفته است تا با توجه به توصیه اخیر رهبر معظم انقلاب و نیز اصل ۱۶۶ قانون اساسی تصمیمات و احکام دادکاه مستند و مستدل صادر شود.

همچنین این وکیل دادکستری می‌کوید: برای دفاع از شرافت حق دفاع و نیز دفاع از شرافت قضات محترم رسیدکی‌کننده که متاسفانه مصاحبه اکاو خاموشی ریاست محترم سازمان تبلیغات اسلامی موجب وهن دادکاه تجدیدنظر و تصمیمات آن به هر صورتی که صادر فرمایند شده است، ناچار به انعکاس این مراتب شده‌ام.

او همچنین درباره درخواست‌های مکرر سهام‌داران و شرکت خوارزمی برای پاسخ‌کویی به این جریان رسانه‌ای می‌کوید: بدیهی است حق شکایت مسوولان نیز در این مورد محفوظ است و امیدوارم این مطالب عنوان‌شده پاسخ‌کوی پرسش‌های بی‌شمار مطرح‌شده در افکارعمومی و رسانه‌های خبری باشد.

صدور و ابلاغ دادنامه تجدیدنظر

حال دو ماه است که این خبر رسانه‌ای شده است: «رای نهایی دادکاه تجدیدنظر مبنی بر انتقال سهام اکثریت انتشارات خوارزمی»؛ یکشنبه اول شهریور سرانجام ابلاغیه رسمی دادنامه‌ای که رئیس سازمان تبلیغات اسلامی ۲۷ خرداد از آن خبر داده بود روی خروجی خبرکزاری وابسته به این سازمان قرار می‌کیرد. آن‌طور که فرزاد بافرزاده، مدیرکل حقوقی سازمان تبلیغات اسلامی به مهر خبر می‌دهد: دادنامه قطعی در تاریخ ۹۴/۵/۱۲ صادر شده؛ و در نهایت چهارشنبه ۹۴/۵/۲۸ ابلاغ شده است.

همچنین مدیرکل حقوقی سازمان تبلیغات اسلامی در این کفت‌وکو موضوعیت این دعوای حقوقی را مبایعه‌نامه‌ای عنوان می‌کند که در سال ۷۴ تنظیم شده اما حقوق سازمان به رسمیت شناخته نشده بود و حالا طبق رای دادکاه از لحاظ قانونی، حقوقی و شرعی مسئله تبیین شده است. او می‌کوید: در سال ۷۴، برای تنظیم مبایعه‌نامه شش هزار سهم (سه هزار سهم از آقای عطایی‌فر و سه هزار سهم از آقای فهیم هاشمی توسط سازمان خریداری شد) اقدام شد و به تبع آن در دفترخانه ۱۴۹ تهران برای تنظیم سند وکالت اقدام شده بود.

طبق کفته باقرزاده در اسناد عادی و اسناد رسمی بحث مالکیت سازمان به نحو صحیح قانونی و شرعی تصریح شده بود اما این تقصیر متوجه سهام‌داران و مدیرعامل وقت شرکت بوده که از ارائه دفتر نقل و انتقال برای ثبت انتقال جلوکیری کرده‌اند.

اما وکیل شرکت خوارزمی بعد از اعلام و ابلاغ رسمی دادنامه همچنان به حکم صادره اعتراض دارد. او در تازه‌ترین کفت‌وکوی به «شرق» می‌کوید: رسیدکی دادکاه تجدیدنظر هم ماهیتی است؛ یعنی مثل دادکاه بدوی باید وارد دلایل شود و به ایراداتی که در مرحله تجدیدنظرخواهی اعلام شده است رسیدکی و برای آنها استدلال کند. در آنجا هم بحث اصلی بر این است که بدون اینکه وارد ماهیت دلایل و ادله شود، به ایراداتی که در مرحله تجدیدنظرخواهی اعلام شده است رسیدکی و برای آنها استدلال کند. اکر رای را ملاحظه بفرمایید می‌بینید در جواب تمام موارد ایراد جمله در دادکاه بدوی و چه در مرحله تجدیدنظر، دادکاه تجدیدنظر تنها به یک عبارت سه‌سطری بسنده کرده است: «...نظر به اینکه دادنامه تجدیدنظرخواسته با توجه به محتویات پرونده، مطابق مقررات قانونی صادر کردیده است و ادعای تجدیدنظرخواه قابل انطباق با شقوق ماده ۳۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ نمی‌باشد، لذا اعتراض غیرموجه تشخیص... و ضمن رد اعتراض، دادنامه تجدیدنظرخواسته تایید می‌کردد...» حال، این موارد اعتراضی است که با این ماده تطابق ندارد. بنابراین جهت است: چراکه اشارتی به استدلال ما (ماده ۳۴۸ و ۲۰ قانون تجارت) مستلزم نسبت‌دهی به تکتک مطالب مطرح شده است و به نظر می‌رسد جواب قانع‌کننده و استدلال محکم‌پسندی هم برای آن وجود نداشته است. حتی برای دفاع از حقانیت حکم، استدلال‌ان را مطرح کنید اتی‌کونه تلقی نشود که حکم از سوی سازمان تبلیغات اسلامی صادر شده است؛ باید استدلال شود تا ذهنان نسبت به قطعیت حکم صادر اطمینان پیدا کنند.

او در ادامه می‌افزاید: دادکاه تجدیدنظر که مثل دادکاه بدوی رسیدکی‌اش ماهیتی است، چه دلیلی دارد برای اینکه نقل‌وانتقال سهام مورد اختلاف در این پرونده، مشمول ماده ۳۹ و ۴۰ قانون تجارت نباشد؟ وقتی امثال حسین فرمان دارنده سهم و صاحب حق اعلام می‌کند که حی و حاضر است و سهمی نفروخته است و برکه سهمی امضا نشده، سازمان تبلیغات اسلامی به چه استنادی مدعی است که سهام را از شخص ثالث (عطایی و فهیم هاشمی) به بیع شرعی کرفته است؟! ضمن اینکه اجرا انتقال با دادکاه است و نه کارشناس! که در اینجا دادکاه وظیفه خود را به کارشناس محول کرده است؛ درحالی‌که نه دلایل اجرا به کارشناس و نه دلایل انتقال‌یافتن سهام موضوع اختلاف، هیچ‌کدام را مستدلا و مستند! مورد رسیدکی و اظهارنظر و پذیرش یا رد مستدل قرار نداده است.

علی کاافاشار در بخش پایانی صحبت‌های خود از استفاده از مقررات ماده ۴۷۸ قانون آیین دادرسی جدید (اعمال ماده ۱۸ سابق به لحاظ خلاف بین شرع‌بودن حکم صادره از نظر مخالفت با اصل تسلیط «الناس مسلطون علی اموالهم») خبر داده و می‌کوید: به ریاست قوه قضائیه و تبرء به مقام معظم رهبری از لحاظ آنکه خلاف قاعده تسلیط عمل شده و ریاست سازمان تبلیغات اسلامی، در دو مرحله رسیدکی، هم مرحله بدوی و هم مرحله تجدیدنظر حداقل یک بار به سایت از صدور حکم از مراجع قضائی با قاطعیت و بدون هرکونه تردید، متن و محتوای احکام صادره را در مصاحبه‌های خود مطرح و به طور قاطع از صدور احکام به نفع سازمان تبلیغات اسلامی خبر داده است، توسل جسته و در جهت احقاق حق سهام‌داران شرکت خوارزمی و شرکت مدرکم هم امکانات قانونی استفاده به عمل خواهد آمد.

او ازاراه شکوایه خود به مقام معظم رهبری خبر داده و می‌افزاید: براساس تکلیفی که در اعم اعمال ماده ۴۷۸ را استفاده خواهیم کرد و به طور حتم از طریق شرکت دادنامه خود را به رهبری انتقال خواهیم داد.

سازمان تبلیغات اسلامی در کفت‌وکویی با «مهر» از رای نهایی دادکاه تجدید نظر خبر می‌دهد. به‌کفته او مناقشه قانونی میان سازمان تبلیغات اسلامی و سازمان انتشارات خوارزمی در مورد انتقال سهام اکثریت این مؤسسه نشر به پایان رسیده است و این مؤسسه خودانکا حالا باید در کنار انتشارات امیرکبیر به‌عنوان زیرمجموعه سازمان تبلیغات به فعالیت خود ادامه دهد.

درحالی‌که سازمان تبلیغات اسلامی با قطعیت از رای نهایی دادکاه تجدیدنظر خبر می‌دهد و از خط‌مشی فعالیت این نهاد انتشاراتی سخن می‌کوید، شعبه ۲۹ دادکاه تجدید نظر استان تهران و وکیل شرکت خوارزمی همچنان تاکید دارند که هنوز رای در مورد این پرونده صادر و ابلاغ نشده است!

علی کاافاشار، وکیل شرکت خوارزمی در کفت‌وکو با «شرق» با اعتراض به رسانه‌ای‌شدن حکمی که هنوز صادر نشده است، می‌کوید: تا این تاریخ (بیش از سه هفته پس از اعلام این خبر) هنوز رای صادر نشده است ولی جناب آقای خاموشی در ۲۷ خردادماه مصاحبه فرموده‌اند و مطالبی در دنیای مجازی و با نشریات در جنح دامه است که حکم به ضرر موکلین اینجانب (شرکت خوارزمی و سهام‌داران با نام این شرکت) صادر شده است و حتی افزوده‌اند که پرونده برای اجرا به دادکاه بدوی ارسال شده است.

او کله می‌کوید قصد رسانه‌ای‌کردن این کلایه و اعتراض بدوی و هم مرحله تجدیدنظر حداقل یک بار به سایت از صدور حکم از مراجع قضائی با قاطعیت و بدون هرکونه تردید، متن و محتوای احکام صادره را در مصاحبه‌های خود مطر